

## معرفی ابعاد وجود انسان؛ آیا انسان به جز جسم بُعد دیگری هم دارد؟

Mentazer Mentazer

### ابعاد وجود انسان چند تا است و شامل چه چیزهایی است؟

ما انسان‌ها با وجود اختلاف نظرها و تفاوت‌هایمان یک نقطه مشترک داریم و آن این است که همگی در جستجوی کمالیم و هر کاری که انجام می‌دهیم، به دلیل شوق خودآگاه یا ناخودآگاهی است که برای کسب کمال داریم. کسی که دنبال ثروت می‌رود، ثروت را کمال می‌داند. طالب علم، علم را کمال می‌داند، طالب لذت و شهوت، لذت را کمال می‌داند. کسی که به اندام و چهره‌اش رسیدگی می‌کند، زیبایی را کمال می‌داند و... پس در اصل کمال طلبی تفاوتی بین افراد نیست؛ اختلاف اساسی در این است که سعادت و کمال حقیقی بشر در چیست؟ علم یا ثروت؟ زیبایی یا قدرت؟

کدام نقطه است که اگر به آن برسیم به کمال انسانی رسیده‌ایم؟

آیا اگر ثروت‌مندترین فرد جهان شویم به کمال رسیده‌ایم؟

اگر دانشمندی مشهور و برجسته شویم چه‌طور؟

سقف آرزوهای ما تا کجاست؟

اگر این‌ها کمال حقیقی هستند، چرا هرچه بیشتر به دستشان می‌آوریم تشنه‌تر می‌شویم؟ چرا تعداد زیادی از مشهورترین، زیباترین و ثروت‌مندترین افراد جهان درست زمانی که در قله این کمالات ایستاده‌اند، به پوچی می‌رسند و دست به خودکشی می‌زنند؟

پاسخ دادن به این سؤالات بدون شناختن ابعاد وجود انسان ممکن نیست. تا ابعاد وجود انسان به درستی شناخته و از هم تفکیک نشوند، نمی‌توان فهمید کمال حقیقی بشر در چیست و ما کی می‌توانیم حقیقتاً به شادی و آرامش برسیم.

ما تمایلات و گرایش‌های مختلفی داریم و دوست داریم در همه آن‌ها بهترین باشیم؛ ما در تمام ابعاد وجودمان طالب کمالیم، اما همه آن‌ها کمال انسانی نیستند؛ چون قلب ما را آرام نمی‌کنند. ما تنها در صورتی آرام می‌گیریم و به سکون می‌رسیم که با کمال مطلق ارتباط برقرار کنیم. پس قبل از هر اقدامی باید قدم در جاده خودشناسی گذاشته و ابعاد وجود انسان را مطالعه کنیم. باید بدانیم سرمایه‌گذاری ما روی کدام بُعد از ابعاد وجودمان ما را به کمال مطلق نزدیک می‌کند.

درباره ابعاد وجود انسان دو دیدگاه وجود دارد. مادی‌گرایان و مکاتبی که همه هستی را با ماده برابر می‌دانند، انسان را هم پدیده‌ای کاملاً مادی می‌دانند که تنها یک بُعد دارد و آن هم جسم اوست. آن‌ها همه رفتارها و افکار انسان را به فعل و انفعالات شیمیایی مغز نسبت می‌دهند و معتقدند که تنها از راه حس و تجربه می‌توان انسان را به‌طور کامل شناخت. همان‌طور که در انسان‌شناسی تجربی گفتیم، این نوع نگرش از پاسخ دادن به بسیاری از سؤالات درباره انسان ناتوان است. بنابراین موضوع بحث ما نیست. آنچه ما در این درس و درس‌های آینده دنبال می‌کنیم، دیدگاه‌های برگرفته از انسان‌شناسی اسلامی است، که به دلیل منطبق بودن با فطرت و عقل معتبرترین منبع برای شناخت ابعاد وجود انسان محسوب می‌شوند.

## معرفی ابعاد وجود انسان و مراتب آن‌ها

همه ما درک روشنی از «خود» داریم و در اثبات وجود چیزی که آن را «من» می‌نامیم به هیچ‌گونه استدلالی نیاز نداریم. با آن که در طول زندگی شکل، قیافه و اعضای بدن ما تغییر کرده و جسم امروز ما با جسم کودکی‌مان بسیار متفاوت است، اما ما همان کسی هستیم که در کودکی بودیم و وقتی به خود اشاره می‌کنیم و می‌گوییم «من» به همان هویتی اشاره می‌کنیم که در کودکی اشاره می‌کردیم. من ما از آغاز تا پایان عمر ثابت است و تحولات جسم روی آن اثر نمی‌گذارد. مثلاً اگر کسی قسمتی از بدن خود را طی حادثه از دست بدهد، نه خودش و نه دیگران هرگز احساس نمی‌کنند، که قسمتی از هویت و «من» او کم شده باشد.

این‌ها و بسیاری از دلایل دیگر نشان می‌دهد، که ما غیر از جسم یک بُعد غیرمادی هم داریم که تحت تأثیر تغییرات مادی قرار نمی‌گیرد. این بُعد غیرمادی یا همان «من حقیقی» در فرهنگ اسلامی «روح، نفس یا قلب» نامیده می‌شود. (به بعد مجرد انسان قبل از تعلق به بدن و پس از جدا شدن از آن روح می‌گویند. زمانی که همراه بدن است و امورات بدن را اداره می‌کند به آن نفس گفته می‌شود و به این دلیل که منشأ تحول، دگرگونی و عواطف است به آن قلب می‌گویند. در واقع هر سه این تعابیر معنای واحدی دارند و همگی به بُعد غیرمادی انسان اشاره می‌کنند؛ اما هر کدام به شأنی از شئون آن اشاره دارند.)

پس به‌طور کلی می‌توان گفت ابعاد وجود انسان دوتا است:

- بعد مادی (جسم)
- بعد غیرمادی (روح، نفس یا قلب)

اگر شما اتومبیل‌تان را به حال خود رها کنید آیا می‌تواند کاری انجام دهد؟ می‌تواند خودش روشن شود و حرکت کند؟ اگر نقص فنی پیدا کند می‌تواند خودش، خودش را تعمیر کند؟ مسلماً نه. اتومبیل شما تنها یک ابزار است و از خود حیاتی ندارد. جسم ما هم در مقابل روح‌مان چنین حالتی دارد. حیات جسم وابسته به روح است و اگر روح از آن جدا شود، دیگر زنده نخواهد بود و این همان اتفاقی است که در زمان مرگ رخ می‌دهد. پس جسم تنها یک ابزار است و به خودی خود نمی‌تواند منشأ هیچ‌گونه اثری باشد. حقیقت وجود ما و آنچه که انتخاب‌ها، ارتباطات، رفتار و افکار ما را شکل می‌دهد، روح یا نفس ماست؛ پس وقتی می‌گوییم «من» فلان کار را انجام دادم یا از فلان چیز لذت بردم و ... در واقع به نفس‌مان اشاره می‌کنیم، نه به جسم‌مان. ما معادل نفس‌مان هستیم و جسم ما یک شأن یا یک مرتبه از نفس است که به آن بُعد جمادی می‌گویند. نفس ما

به غیر از جسم‌مان مراتب و شئون دیگری هم دارد. شئون و مراتب نفس یا به عبارتی ابعاد وجود انسان از پایین‌ترین تا بالاترین مرتبه به ترتیب عبارتند از: «بُعد جمادی، گیاهی، حیوانی، عقلی و فوق‌عقلی» که در ادامه آن‌ها را معرفی می‌کنیم:

- **بُعد جمادی:** حجم عظیمی از گفتگوهای روزانه ما را واگویی‌ها تشکیل می‌دهند. واگویی گفتگوی درونی ما با خودمان است. در واقع بیشتر اوقات خود ما با خودمان حرف می‌زنیم. اما آیا تا به حال فکر کرده‌اید که خودی که حرف می‌زند و خودی که می‌شنود، کیست یا چیست؟ ما معمولاً تصور می‌کنیم که زبان‌مان یا افکارمان گوینده و قلب‌مان شنونده است، در حالی که گوینده اصلی قلب یا نفس ماست. ما حتی زمانی که با دیگران حرف می‌زنیم، بازهم نفس ماست که حرف می‌زند نه زبان‌مان. زبان به خودی خود یک عنصر بی‌جان است و قابلیت سخن گفتن ندارد. افکار ما هم از نفس‌مان نشأت می‌گیرند نه از مغزمان. به طور کلی دیدن، شنیدن، سخن گفتن و... در اصل کار نفس است و اعضای بدن ابزارها و ادوات نفسند.

بدن پایین‌ترین مرتبه نفس است. ما به لحاظ برخورداری از بدن هیچ فرقی با سایر جمادات، از جمله صندلی‌ای که روی آن نشسته‌ایم و تلفن همراهی که در دست ماست، نداریم. ما به‌علت داشتن جسم یک «جماد» محسوب می‌شویم، زیرا جسم ما مانند جمادات دارای حجم، وزن، رنگ، بو و خواص عنصری است.

- **بُعد گیاهی:** یکی دیگر از ابعاد وجود انسان بُعد گیاهی است. گیاهان علاوه بر داشتن کمالات جمادی مثل وزن، رنگ، بو و... دارای لطافت و زیبایی‌اند، رشد و تغذیه دارند، تولیدمثل می‌کنند و قادرند اندام ضعیف‌شان را به وسیله رشد و تغذیه به یک اندام قدرت‌مند و تنومند تبدیل کنند. ما هم همه این قابلیت‌ها را داریم. بنابراین بُعد گیاهی ما، ما را هم‌ردیف گیاهان قرار می‌دهد. در واقع ما به‌علت داشتن این ویژگی‌ها گیاه هستیم، نه انسان.

- **بُعد حیوانی:** حیوانات علاوه بر کمالات جمادی و گیاهی قابلیت‌های پیشرفته‌تری هم دارند. از جمله این که دارای شهوت و غضب هستند. ازدواج می‌کنند و در مقابل خانواده خود تعهد دارند. مسئولیت‌پذیرند و برای ادامه حیات کار و تلاش می‌کنند. دارای زندگی اجتماعی‌اند و قادرند از مقام یک عضو ساده در گروه به مقام رهبری گروه برسند. دارای ویژگی‌های مثبتی مثل وفاداری، حیا، نجابت و مهربانی‌اند و به هم‌نوعان و غیرهم‌نوعان خود خدمت می‌کنند. همه این ویژگی‌ها در انسان هم وجود دارد. البته ممکن است بعضی از آن‌ها مثل شهوت و غضب در انسان پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر باشند، اما این پیشرفته‌تر بودن آن‌ها را از مرتبه حیوانیت بالاتر نمی‌برد؛ بنابراین یکی دیگر از ابعاد وجود انسان بعد حیوانی است و ما به علت داشتن این قابلیت‌ها هم‌ردیف حیوانات هستیم و برتری خاصی بر آن‌ها نداریم.
- **بُعد عقلی:** عده‌ای گمان می‌کنند در بین تمام موجودات عقل تنها به انسان داده شده، در حالی که فرشته‌ها هم عقل دارند و از عقل محض آفریده شده‌اند. عقل دلیل برتری انسان بر سایر موجودات نیست. ما در بُعد عقلی فرشته هستیم نه انسان. آن چه باعث برتری ما بر سایر موجودات می‌شود داشتن فوق‌عقل است.
- **بُعد فوق‌عقل:** انسان بودن ما مربوط به فوق‌عقل ماست. بُعد فوق‌عقل بخش انسانی و من‌حقیقی ما را تشکیل می‌دهد. ما به واسطه داشتن فوق‌عقل، قابلیت تربیت نامحدود پیدا می‌کنیم و می‌توانیم مراتب کمال را تا بی‌نهایت طی کنیم؛ در حالی که مرتبه بقیه موجودات مشخص است و از حد خود بالاتر نمی‌روند. همه ابعاد وجود انسان مقدمه‌ای برای رشد و شکوفایی فوق‌عقل‌اند و باید در خدمت این بُعد قرار بگیرند. در واقع سرمایه‌گذاری اصلی ما در زندگی باید برای کسب کمالات فوق‌عقلانی باشد نه کمالات جمادی، گیاهی و ...

در درس‌های بعدی دربارهٔ تک‌تک ابعاد وجود انسان و ارتباط آن‌ها با کمال انسانی به صورت جداگانه سخن خواهیم گفت. از شما دعوت می‌کنیم برای درک بهتر این مفاهیم حتماً درس‌های آینده را نیز به‌ترتیب مطالعه کنید و نظرات خود را دربارهٔ هر درس با ما در میان بگذارید.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer